

ارتش دوم : ( بریاست ژنرال سامسوف Samsonow ) مرکب از ۱۴ سپاه و ۳ لشکر سوار در جبهه : «اوگوستوو - اوسترو لنکا - نووگه اورگیوسک» ( Augustowo - Ostrolenka - Nowogeorgievsk ) با داشتن سوار در جلوی جبهه و جناحین خود استقراریافت . به علاوه برای پوشش ارتش دوم از سمت «ثرن» ( Thorn ) دو سپاه بآن اضافه شده بود : سپاه یکم که در «نووگه اورگیوسک» ( Nowogeorgievsk ) و سپاه گارد که در «ورشو» متمرکز گردیدند .

هر دو ارتش بدون هیچ قوای احتیاطی استراتژیکی و با داشتن قریب ۴۵ کیلومتر فاصله بین یکدیگر آرایش گرفتند و این فاصله مقابل ناحیه مستحکمه «لتن» ( Lötzen ) دریاچه های مازوری ( Les lacs Mazuriques ) واقع شده بود : هر دو ارتش (با محسوب داشتن لشکرهای احتیاطی ارتش یکم) تقریباً دارای قوای مساوی بودند . ولی ارتش «نمان» ( Niéman ) یعنی ارتش یکم ، بیشتر مجتمع و متمرکز بود ( در حدود ۶۵ کیلومتر ) ، ولی ارتش «نارو» ( Narew ) یعنی ارتش دوم ، در جبهه بطول ۲۲۰ کیلومتر پراکنده بود .

دو ارتش فوق «پروس شرقی» را از سمت شرق و جنوب احاطه کرده بودند هر چند در آغاز عملیات ( ۱۷ - ۱۹ اوت ) تعداد آن ارتشها کامل نبود مع هذا روسها نسبت بقوای آلمان فوق العاده تفوق عددی داشتند .

مأموریتهای نخستین ارتشهای جبهه شمال غرب عبارت بود از تعرض سریع آنها در سمتهای غربی و شمال غربی بمنظور احاطه آلمانها از هر دو جناح و درهم شکستن ایشان و قطع کردن مواصلات آنها با «کونیگسبرگ» ( Königsberg ) و صرف راههای عقب نشینی آنها بجانب «ویستول» . در اجرای این مأموریت روسها اساس نقشه خود را سرعت قرار دادند که بدینوسیله نیروی آلمان را از جبهه فرانسه جلب و بسمت خود بکشاند و این موضوع هم بزبان عملیات نخستین متمرکز و آرایش صحیح سپاه های روس تمام میشد .

در جبهه اطریش : چهار ارتش روس ( سوم ، چهارم ، پنجم و هشتم ) که تشکیل جبهه جنوب غرب را میدادند با تقسیم بسه گروه مجزا استقرار یافتند .

۱- گروه غربی : در طرفین بوگ غربی: ارتشهای چهارم و پنجم (بریاست ژنرال زلتس Zelts که بعداً اورت Everth و پله و Plehvé جانشین او شدند) مرکب از ۷ سپاه و ۸ لشکر سوار در جبهه «لوبلین - کوول» (Lublina-Kowel) (در حدود ۱۳۰ کیلومتر) مستقر شد.

۲- گروه رُونو: (Rowno) در سمت «لامبرگ»: ارتش سوم (بریاست ژنرال روزسکی Rouzsky) مرکب از ۴ سپاه و ۱ لشکر سوار در جبهه «لوتسک - کریمتس» (Loutsk - Kremenetz) قرار گرفت.

۳- گروه پرسکورو: (Proskuraw) در سمت بین لامبرگ: و دنستر: ارتش هشتم: (بریاست ژنرال بروسیاف Broussiloff) مرکب از ۴ سپاه و ۳ لشکر سوار استقرار یافت.

بطریق فوق جبهه جنوب غرب دریک خط قوسی بطول بیش از ۴۰۰ کیلومتر با داشتن نصف قوای متمرکز خود در جناح راست و بقیه بحالت رده در عقب در سمتهای «رُونو» و «پروسکورو» تشکیل گردید.

مأموریتهای مقدماتی آن جبهه عبارت بود از وارد ساختن شکست بارتشهای اطریش - هنگری و ضمناً جلوگیری از عقب نشینی قوای عمده دشمن بسمت جنوب بعقب «دنستر» و بجانب غرب بعقب «کراکوی» (Cracovie).

اجرای این مأموریت میبایستی با حرکت تمرکزی تمام ارتشها بمنظور احاطه هر دو جناح دشمن صورت میگرفت. اما در اثر تشخیص غلط ستاد ارتش روس که تصور کرده بود اطریشها آرایش خود را پیشتر بسمت شرق کشانده اند، (در صورتیکه برخلاف حقیقت بود) لذا روسها تعرض ارتش جناح راست را (که ارتش چهارم بود) بسمت «پرمیشل» (Przemysl) یعنی جبهه نیروی اطریش معین نمودند و برای ارتش جناح چپ (ارتش هشتم) سمت حرکت را بعدود بین «لامبرگ» و «دنستر» یعنی مقابل جبهه ارتش دوم اطریش که از صربستان حمل شده بود تعیین کردند.

تشکیل گروه ورشو: بمناسبت الحاق انگلیس و ژاپون بمتفقین برای روسها مقدور میگردد که از تعداد ارتشهای مأمور حراست سواحل بالتیک کاسته ارتشهای متوقف

در خاور دور را هم برای جنگ احضار کنند. در این صورت تعداد ۶ سپاه اضافی در اختیار فرمانده کل نیروی روس قرار میگرفت و او مصمم شد که از آنها برای تکمیل اجرای معاهده فرانسه و روس استفاده کرده و در ساحل چپ «ویستول» در ناحیه ورشو برای مهاجم بمرکز آلمان از راه «پوزنان» (Poznan) و «برسلاوه» (Breslau) امرگزشان بدهد.

احکام و دستورات مقتضی در این زمینه صادر گردید ولی در آغاز عملیات پیش از دو سپاه به «ورشو» نرسید. بعدها جریان عملیات اولیه باعث شد که از فکر تعرض بسمت «برلن» از خط «ورشو» موقتاً صرف نظر شود.

#### نتیجه

از مقایسه وضعیت طرفین در صحنه شرق مراب ذیلرا میتوان دریافت :

۱ - دول مرکزی میتوانند پس از تمرکز تمام قوای لازم و حتی پس از اصلاح اشتباه خویش در آغاز تمرکز (حمل ارتش دوم اطریش از جبهه صربستان بجهه روس) شروع بعملیات نمایند.

روسیه فقط با تمرکز ۷۵ درصد قوای اختصاصی خویش ناگزیر از شروع جنگ بود در صورتیکه فرصت و مجال جهت اشغال مبدأ صحیحی برای حرکت پیدا نکرده مخصوصاً در جبهه جنوب غرب، خویش که گروه‌های «رو نو» و «پرسنگو رو» زیاد در عقب واقع شده بودند.

۲ - با وجود این در جبهه آلمان در اثر تفوق عددی ارتشهای روس امیدواری کامل میرفت که با اجرای عملیات با دو حرکت دورانی موفقیت حاصل شود ولی بشرطیکه هر دو ارتش از روی اصول و ترتیب صحیحی با اجرای عملیات مبادرت ورزند. روسها در جبهه اطریش در آغاز عملیات نسبت به اطریشها تفوق عددی تقریباً نداشتند و بواسطه وضعیت پراکنده ارتشهای روس که بحالت رده قرار گرفته و جناح چپ آن زیاد در عقب واقع شده بود اطریشها میتوانند در صورت تعرض جدی و اقدامات ماهرانه جناح راست نیروی روس را که زیاده از حد پیش رفته بود

بطور جداگانه در هم بشکنند. ولی پیشروی تدریجی ارتشهای روس و نزدیک شدن آنها تمام فوائد و محسنات را بجانب روسها متوجه میساخت و موجب محاصره اطیشها میگردد.

۳- آرایش نیروی اطیش که بمنظور حرکت دورانی نسبت به جناح راست روسها تنظیم شده بود با موقعیتی که جناح چپ اطیشها اتخاذ کرده بود مطابقت میکرد چه در اثر همان آرایش جناح راست روسها در تصرف ایشان درمیآید؛ ولی برای اجرای این مقصود فقط بمرکز نیروی افزوتتری اقدام نشده بود.

۴- روسها چون تصور میکردند که آرایش نیروی اطیش بیشتر در سمت مشرق است لذا آرایش ارتشهای خویش و اجرای ضربت بدوی را روی این تصور بی اساس تنظیم نمودند و در نتیجه این اشتباه ضربت ایشان بجای آنکه بپهلوی اطیشها وارد گردد بجبهه آنها متوجه گردید.

۵- طرز آرایش قوا و نقشه عملیات ارتش هشتم آلمان کاملاً با وضعیت کلی و کیفیت آن صحنه و استفاده کامل عملیاتی از خطوط مفصل راه آهن تطبیق میکرد.

۶- فرماندهی کل روس بواسطه رسیدن قوای مهم احتیاط استراتژیکی (قریب ۲۲ لشکر) وسائل عظیمی برای تقویت عملیات هر دو جبهه خویش در دست داشت در صورتیکه قوای احتیاط دشمنان او باین پایه نمیرسید.

### صحنه صربستان (نقشه شماره ۵)

صربها: با ارتش کوچک خود میتوانند انتظار حماه اطیشها را بمرز شمال خود از خط رودخانه «دانوب» (Danube) و «ساو» (Save) از یکطرف و بسرحد غربی خود از خط رودخانه درینا (Drina) از طرف دیگر داشته باشند. لذا با پوشاندن هر دو مرز قسمت عمده ارتش خویش را در ناحیه کوهستانی در سمت مشرق «والیوو» (Valievo) یعنی تقریباً در یک فاصله مساوی از هر دو میدان احتمالی عملیات تمرکز دادند. در رأس ارتش آنها پوتنیک (Voievode Putnik) قرار گرفته بود.

اطریشیا : در همان آغاز عملیات ( پس از انتقال ارتش دوم خود به جبهه روس )  
ارتش پنجم خویش را در امتداد رودخانه «ساو» و ارتش ششم را در امتداد رودخانه  
«درینا» بمنظور تعرض مفصل بر ضد سربها و احاطه جناحین ایشان گستردهند .  
از این حیث کیفیات صحنه سربستان شبیه وضعیت «پروس شرقی» بود که یکطرف  
اقدام بدفاع عامل کرده و طرف دیگر حالت احاطه ای داشت که با قوای افزونتر  
خویش مبادرت بتعرض مینمود . همان فوق طرف ضعیف در سایر صفات خویش  
در اینجا نیز مشاهده میشود ولی در وضعیت این دو صحنه اختلافاتی وجود داشت :  
در پروس شرقی آلمانها مواقع خود را بوسیله استحکامات عالی و خطوط آهن  
مدافعه میکردند ولی سربها در اراضی کوهستانی که دارای جاده های زیادی نبود  
مجبور بعملیات بودند .

## بخش چهارم

جریان جنگ در سال ۱۹۱۴

مرحله یکم [از ۲ - ۲۵ اوت]

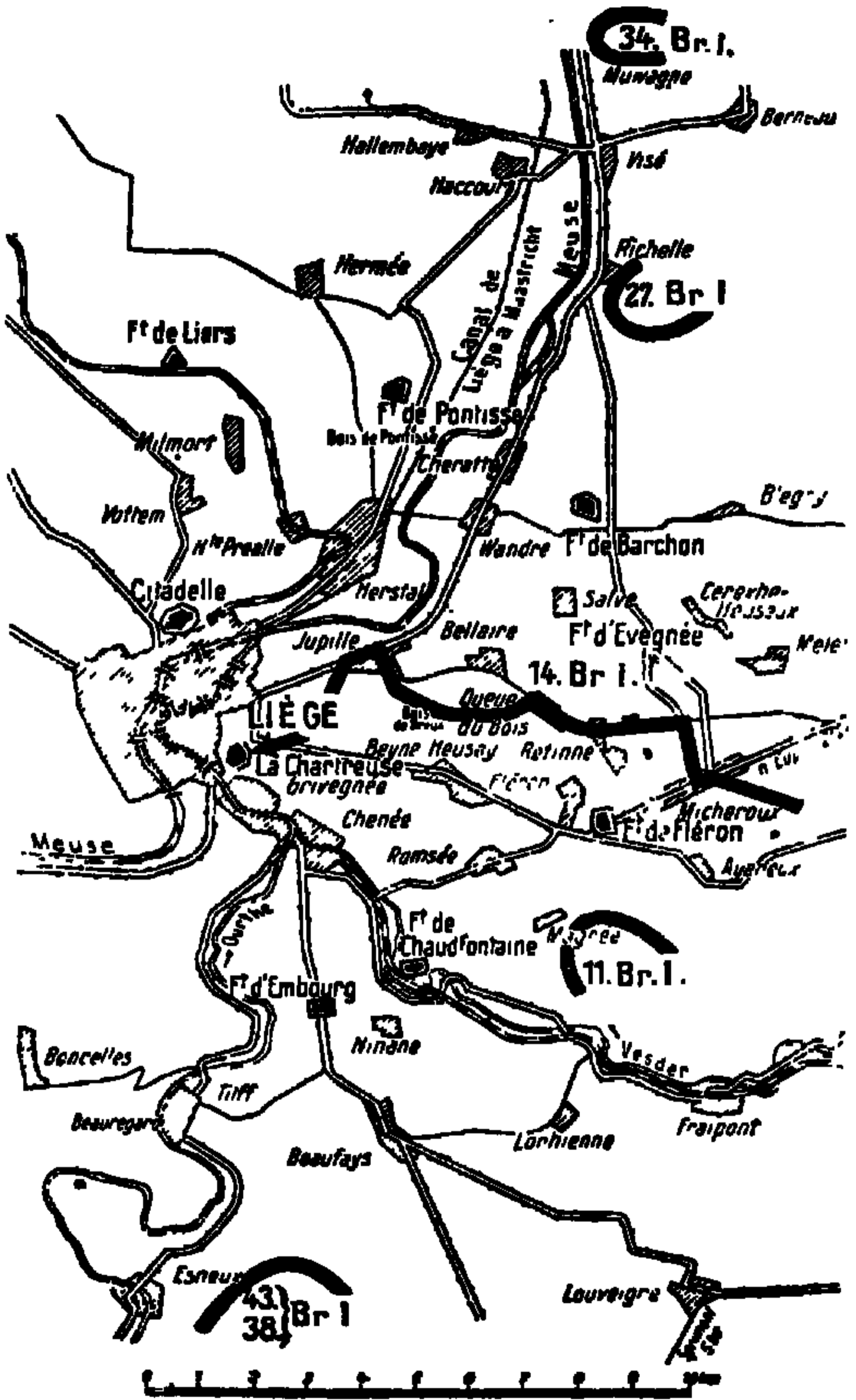
صحنه غرب : حمله ناگهانی آلمانها به لیز - تلافی های نخستین بین آلمانها و فرانسویها - عملیات در آلزاس علیا - عملیات در لرن - عملیات ارتشهای جناح چپ فرانسه تا ۲۱ اوت - نبرد در مرزها - صحنه صربستان - صحنه شرق ، عملیات در پروس شرقی - نبرد کومبی ن - عملیات در جبهه اطریش - جنگ دریایی - عملیات در مستمرات - نتیجه .

صحنه غرب - حمله ناگهانی آلمانها به « لیز »

موفقیت مانور فرماندهی نیروی آلمان مبتنی بر « قدرت » و « سرعتی » بود که میخواست در ضربت نخستین خود اعمال کند .

برای اعمال « قدرت » ، توده مانور با کمال استحکام تشکیل یافته و عبارت از ۲ ارتشی بود که نیروی هر دو به ۱۳ سپاه ، مرکب از واحدهای ورزیده و مجهزی بالغ میشد و دو تن از بهترین ژنرالهای آلمان « بولو » و « کلوک » ( Bülow ) ( Kluck ) فرماندهی آنها گماشته شده بودند . برای اعمال « سرعت » نیز که لازمه غافلگیری بود ، از آغاز کار سبقت در کلیه عملیات پیش بینی شده بود ، تا جائیکه حتی در بسیج هم سبقت مؤثری در حدود ۴۸ ساعت نسبت به فرانسه ، ۲۴ ساعت نسبت به بلژیک و از ۵ تا ۶ روز نسبت بانگلیس تأمین شده بود ، و برای انجام این منظور هم تدابیر مخصوصی پیش بینی گردیده بود . قسمیکه آلمان بتواند بدون اعلان بسیج بنهیه و تأمین مقدمات جنگ پردازد . این سبقت در بسیج تا چه حدودی در تمرکز قوای آلمانها تأثیر بخشید ؟ چیزیکه محقق است اینست که این سبقت در کار در دو مورد تأثیرات قاطعی بخشید : نخست ، بنفع قسمتهائی که از ۴ تا ۱۱ اوت حمله ناگهانی به « لیز » ( Liège ) را اجراء کردند ، و سپس بنفع قوائیکه مأموریت داشتند بلافاصله پس از عبور از « موز » ( Meuse ) بجناح چپ فرانسویها حمله ور شوند .

عمل عبور از « موز » از « لیز » نخستین عمل مقدماتی بود که میبایستی بر مانور احاطه ای جناح راست آلمان سبقت جوید . در ۲ اوت ، هنگامیکه جلودار ارتش



حکة فاکھانی آمانابہ لیز - وضعیتدر عصر ۶ اوت ۱۹۱۴

(مطابق صفحه ۶۸)

۴ آلمان « لوکزامبورگ » را بدون هیچگونه تصادمی تصرف میکرد ، حکومت « برلن » بحکومت « بروکسل » تکلیف مینمود که در خاک بلژیک عبور قوای آلمان را آزاد کند. این تکلیف را دولت بلژیک قطعاً رد کرد . و از اینرو دولت آلمان بزور نوسل جست . در ۵ اوت ، واحدهای بسیج تند ، متعلق پارتشهای ۱ و ۲ ، فرماندهی ژنرال « فن امیخ » ( von Emmich ) (۱) غفلتاً به « لیز » حمله ور شدند . قلاع مقاومت کردند ، و « امیخ » حمله خود را تجدید کرده و موفق شد که در ۷ اوت ، با یک تیب مکمل و مجهزی ، در فاصله میان دو استحکامات نفوذ نماید . ولی این ضربت جسورانه مسئله را حل نکرد . استحکامات کماکان راهبانی را ، که مورد احتیاج آلمانها بود ، مسدود میکردند ، و آنگاه ، در ۱۰ اوت ، نیروهای مهمی ، به پشتیبانی توپخانه پر قدرت قلعه کوب ، فرماندهی ژنرال « فن اینم » ( von Einem ) حمله منظمی را شروع کردند . از ۱۰ تا ۱۴ ، کلیه استحکامات ساحل سمت راست پشت سر یکدیگر سقوط کردند . در ۱۵ و ۱۶ مقاومتهای نهائی درهم شکسته و روز ۱۶ « هوی » ( Huy ) هم سقوط میکرد . اکنون دیگر راه بروی آلمانها باز شده بود .

### تلاقی های نخستین بین آلمانها و فرانسویها

در ۸ اوت ساعت ۷ صبح ژنرال « ژفر » ( Joffre ) فرمانده کل نیروی فرانسه بانوجه باین احتمال که جناح راست آلمانها ، پس از شکست اخیر ، بشمال « موزه » هدایت نخواهد شد ، و از طرفی نیز در جناح چپ نیروی فرانسه مجموع قوا تا ۲۱ اوت آماده کارزار نخواهد بود ، و حال آنکه در جناح راست توده ای مرکب از ۱۰ سپاه ( تقریباً ۵۰٪ مجموع قوای آماده جنگ فرانسه ) آماده مانور میباشد ، دستور عمومی شماره ۱ را ، متضمن خطوط برجسته ذیل ، صادر نمود ( نقشه شماره ۳ ) :

( ۱ ) - در مقابل ارتشهای ۱ و ۲ ، قوای دشمن نباید از ۶ سپاه بیشتر باشند . از قرار معلوم ، قوای عمده آلمان در اطراف « مس » ( Metz ) و در « لوکزامبورگ » میباشد . در شمال ، ۱ ارتش آلمان داخل بلژیک شده است ( عناصر متعلق به ۵ سپاه در این ارتش دیده شده است ) .

( ۲ ) - قصد فرماندهی کل در این است که پس از تمرکز تمام قوا و آنگاه

(۱) با کمک ژنرال « لودندرف » رئیس عملیات ارتش دوم .



جناح راست به « رن » (Rhin) به نبرد پردازد :

(۳) - نجم بدوی و حرکت تعرضی عمومی بشرح ذیل است :

ارتش یکم [ژنرال « دوبای » (Dubail)] مأمور است ارتش آلمان « رن »

(Lorraine) را هدف ساخته بسمت «استراسبورگ» (Strasbourg) و «آلزاس

سفلی « (Basse - Alsace) براند ، در جناح راست آن ، یک قسمت سپاه با لشکر

سوار به « کلمار » (Colmar) و « شلستادت » (Schlestadt) رسیده ، پلهای

« رن » را قطع کرده و جناح راست آرایش را خواهد پوشاند :

ارتش ۲ [ژنرال « دوکاستنو » (de Castelnau)] مأمور تعرض در سمت

« ساربروک » (Sarrebriick) خواهد بود ، بقسمیکه ارتباط با ارتش ۱ را محفوظ

داشته و خود را در مقابل « مس » (Metz) پوشاند ،

ارتش ۳ [ژنرال « روفه » (Ruffey)] کناره «موزعلیا» (Hauts-de-Meuse) ،

از « فلاباس » (Flabas) [جنوب غربی « دام ویلر » (Damvillers)] تا « سن بسان »

(St Baussant) [جنوب غربی « نیوکور » (Thiaucourt)] آماده خواهد بود که

در سمت شمال حرکت کند ، یا اینکه بکلپه قوائیکه از « مس » خارج شوند حمله ور گردد ،

ارتش ۴ [ژنرال « دولانگل دوکاری » (de Langle de Cary)] در شرق

« آرگن » (Argonne) آماده خواهد بود بقوای دشمن که در شمال « ویلن »

(Vilosnes) از « موز » بگذرند حمله نماید ، یا اینکه خود در شمال « وردن »

از « موز » بگذرد :

ارتش ۵ [ژنرال « لانرزاک » (Lanrezac)] بین « ووزیه » (Vouziers)

و « اباستن » (Aubenton) متمرکز شده و آماده خواهد بود بکلپه قوائیکه بین

« موزن » (Mouzon) و « مزیر » (Mézières) از « موز » بگذرند حمله کند ،

یا اینکه بین این دو نقطه از « موز » عبور نماید .

سپاه سوار ژنرال « سرده » (Sordet) مأمور خواهد بود جبهه ارتش ۵ را

پوشاند ، و اگر مجبور شد دیگر بار از « موز » بگذرد ، در جناح چپ ارتش ۵

قرار گیرد [منطقه « ماریانبورگ » (Mariembourg)] برای اینکه نمرکز ارتش



آتشبار بلژیک به توپهای طلای کوب آلمان پاسخ میدهد .

( مقابل صفحه ۷۰ )

انگلیس را پوشاند. گروه ۴ لشکرهای احتیاط موضعی در اطراف «ورون» (Vervins) تشکیل خواهد داد بقسمیکه مخرجی برای تعرض در سمت شمال یا در سمت شرق فراهم نماید. بدین سان، فرانسویها در جناح راست ابتکار عملیات را در دست گرفتند، بقسمیکه در اندک مدتی ضربت سختی به کوتاه ترین خطی که به «رن» میرسد وارد سازند، در مرکز و در جناح چپ با انتظار استراتژیک که مقتضیات ایجاب میکردن در دادند، علاوه، در نظر گرفتند این انتظار را برای تقویت ارتش جناح چپ با دولشکر پیاده آفریقائی (لشکرهای ۳۷ و ۳۸) و ۱ سپاه (سپاه ۱۸) برداشتی ارتش ۲ بکار ببرند و ضمناً وضعیت جناح راست دشمن را بوسیله سپاه سوار مشخص نمایند. مرحله انتظار استراتژیک، که بمناسبت استقرار ارتشهای ۴ و ۵ و ارتش انگلیس بمرکز و جناح چپ فرانسویها تحمیل شده بود، ۱۳ روز دوام یافته و تا ۲۱ اوت بطول انجامید. در این ۱۳ روزه، کارزار در مشرق بوقوع پیوست، و حال آنکه در شمال مقدمات بحرانی ظاهر میشد.

### الف ( عملیات در آلزاس علیا ( نقشه شماره ۶ )

در دستور تمرکز ارتش یکم فرانسه پیش بینی میشد که یکقسمت از این ارتش (سپاه ۷ و لشکر ۸ سوار) از راه بلفور و شلوخت در استقامت «کلمار» داخل آلزاس علیا شده و مأمور حمله بقوای دشمن است که بخواهد در دامنه شرقی «وژ» در شمال شلوخت ظاهر شود و مأمور است پلهای روی «رن» را خراب نموده و سرپل «نوف بریزاخ» را پوشاند. روز ۴ اوت فرمانده کل نیروی فرانسه امر با اجرای این عملیات صادر نمود: روز ۷ سپاه ۷ فرانسه داخل «آلزاس علیا» شد و روز ۸ داخل مولوز (Mulhouse) گردید ولی در ناحیه سرانه (Cernay) طرف حمله متقابله واقع گردید و تا زیر توپ «بلفور» عقب نشست. روز دهم فرمانده کل فرانسه يك ارتشی بنام ارتش آلزاس یا هفتم تحت فرماندهی ژنرال بو (Pau) تشکیل داد. این ارتش مأمور بود که دره آلزاس علیا، بمرض مبادرت کند که بدینوسیله پیشروی ارتش یکم را که روز ۱۴ باید صورت گیرد تسهیل نماید. ارتش ۷ بواسطه فرصتی ~~حک~~ که برای تمرکز خود لازم دارد فقط روز ۱۴ میتواند حاضر برای حرکت گردد. دشمن در مقابل آن عقب نشینی میکند، قهقتهی بطرف شمال و قسمت دیگر بجانب «ان» و جنگل هارت

(Hardt) . روز ۱۹ پس از يك محاربه شديدی در «دوناخ» (Domach) فرانسویها موفق شدند داخل «مولوز» گردند ولی با يك سد آتشی برخوردند که در طول خط «کلمار» نوبریزاخ» (Neuf-Brisach) برقرار شده بود . روز ۲۵ اوت نظر بوضعیت ارتش یکم و لزوم تقویت ارتشهای جناح چپ که مورد تهدید سخت واقع شده بودند فرماده کل فرانسه ارتش ۷ را بقیب برده و روز ۲۶ آنرا منحل کرد . يك قسمت از عناصر آنرا (سپاه ۷ و لشکر ۱۶۳ احتیاط) به «آمین» (Amiens) اعزام و بقیه که تشکیل دو گروه میدهند حفاظت وژ-بونوم را (Bonhomme) تا «بلفور» عهده دار خواهند شد .

### ب ( عملیات در لرن ( نقشه شماره ۶ )

سپاه ۲۱ فرانسه از ۸ تا ۱۳ اوت پس از محاربات شدید گردنه های «سنت ماری» «بونوم» (Bonhomme) و «سال» (Saales) را اشغال کرد . دشمن در جبهه ارتش ۲ فرانسه در مسیر «سیل» (Seille) طغیان آب ایجاد کرده و ساحل راست این رودخانه را بحال دفاع در آورد . فرماده کل نیروی فرانسه تصمیم گرفت که بوسیله ارتش یکم و دو سپاه جناح راست ارتش دوم اقدام بتعرض نماید ، جناح چپ ارتش ۲ نیز پس از آنکه جبهه اش از دشمن پاک شد بجلو رفته و در عین حال از حملات متقابل ای که از «مس» بروز کند خود را تأمین نماید . روز ۱۴ اوت تعرض شروع شد . از ۱۴ تا ۱۷ اوت ارتش یکم فرانسه پس از محاربه با دستجات دشمن که در حال عقب نشینی بودند جناح راستش بویله - شیرمک - دنن - (Villé-Schirmeck) (Donon) رسید ؛ و جناح چپش بطرف «ساربورگ» متوجه بود . در اینموقع ژنرال دوبای (Dubail) منتظر حمله قوای متمرکز دشمن در جنوب «ساربورگ» بود . لذا اشارت بیه قوای مهمی در دالان بلامن - ساربورگ - (Blamont - Sarrebourg) جمع کرده و آرایش خود را بسمت شمال غرب محدود کرد . این حرکت که روز ۱۷ تهیه شده بود قرار بود تا روز ۱۸ اجرا شود . آلمانها در جلو ارتش ۲ فرانسه نیز همان حالت را اتخاذ کردند یعنی جنگ کتان بطرف دیوز (Dieuze) و بعد «مورهانژ و بنسدرف» (Morhange-Bensdorf) عقب نشینی نمودند بدون اینکه تن بدرگیری بدهند .

در مقابل ارتش یکم و دوم فرانسه ارتشهای ۶ و ۷ آلمان بفرماندهی ولیمهد باویر در امتداد خط دلم ( Delme ) - ارتفاعات مراژ ، شمال غرب ساربورگ و سن لوئی در جنوب غرب ساورن ( Saverne ) یک جبهه مستحکم تشکیل داده بود . آلمانها در نظر داشتند که در این خط مقاومت تعرض فراسویها را در هم شکنند .

جناح چپ ارتش یکم فرانسه ساربورگ رسید ولی نتوانست از آنجا خارج شود .

در همان موقع جناح راستش از طرف دشمن مورد حمله قرار گرفت و ویله ( Villé ) را در ۱۸ اوت و شیرمک ( Schirmeck ) را ۱۹ اوت از دست داد . ارتش ۲ بوسیله قسمت مرکزی بطرف موراژ پیشرفت ولی نتوانست بخط مقاومت دشمن لطمه ای وارد سازد و در اثر کوششهای متوالی فرسوده گشت . از ۲۰ اوت آلمانها در تمام خط جبهه اقدام بتعرض نموده و هر دو ارتش فرانسه را مجبور بعقب نشینی نمودند . در نتیجه این عقب نشینی بین این دو ارتش یک شکافی که باعث نگرانی بود پیدا شد .

روز ۲۲ دشمن فشار خود را به نقطه اتصال دو ارتش مزبور افزود ، ارتش دوم لوویل ( Lunéville ) را از دست داد ، از حرکت قوای مهم آلمان در مقابل جبهه ارتش دوم بطرف جناح راست آن معلوم شد که دشمن در صدد ارتباط ارتش های شرقی فرانسه را که تا آن تاریخ بحفظ آن موفق شده بودند در سمت شارم ( Charmes ) قطع کند .

عصر ۲۳ اوت ارتشهای فرانسه جبهه ذیل را اشغال نمودند :

ارتش یکم : در خط گردنه وژ - سنن - وائون - سنت بارب اسی - سن بوان

( Vosges-Senones-Raon - S<sup>e</sup>-Barbe-Essey- S<sup>t</sup>-Boingt ) ،

ارتش دوم : در ارتفاعات سافه - بلشان - ارتفاعات جنوبی سن نیکلا - کران

کورنه دونانسی .

( Saffais-Belchamps-S<sup>t</sup>-Nicolas-Grand-Couronné de Nancy )

قوای احتیاط را بین مورت و موزل و جلوی نانی قرار داده بودند .  
هر دو ارتش برای اجرای حمله مشترک موفقیت خوبی را دارا بودند که روز  
۲۵ اوت بجهه و دو پهلو دشمن که از مورت ( Meurthe ) عبور کرده بود  
حمله ور شوند .

ارتش دوم کاملاً درگیر شد . ساعت ۱۲ جناح چپش پیشرفته و در ساعت ۱۸  
دشمن در مقابل آن کاملاً عقب نشست .

ارتش یکم نخست در جبهه باکارا - راثون ( Baccarat-Raon ) مقداری  
اراضی از دست داد ولی بعد از ظهر بواسطه حرکت ارتش دوم افاتۀ یافته شروع  
به پیشروی کرد .

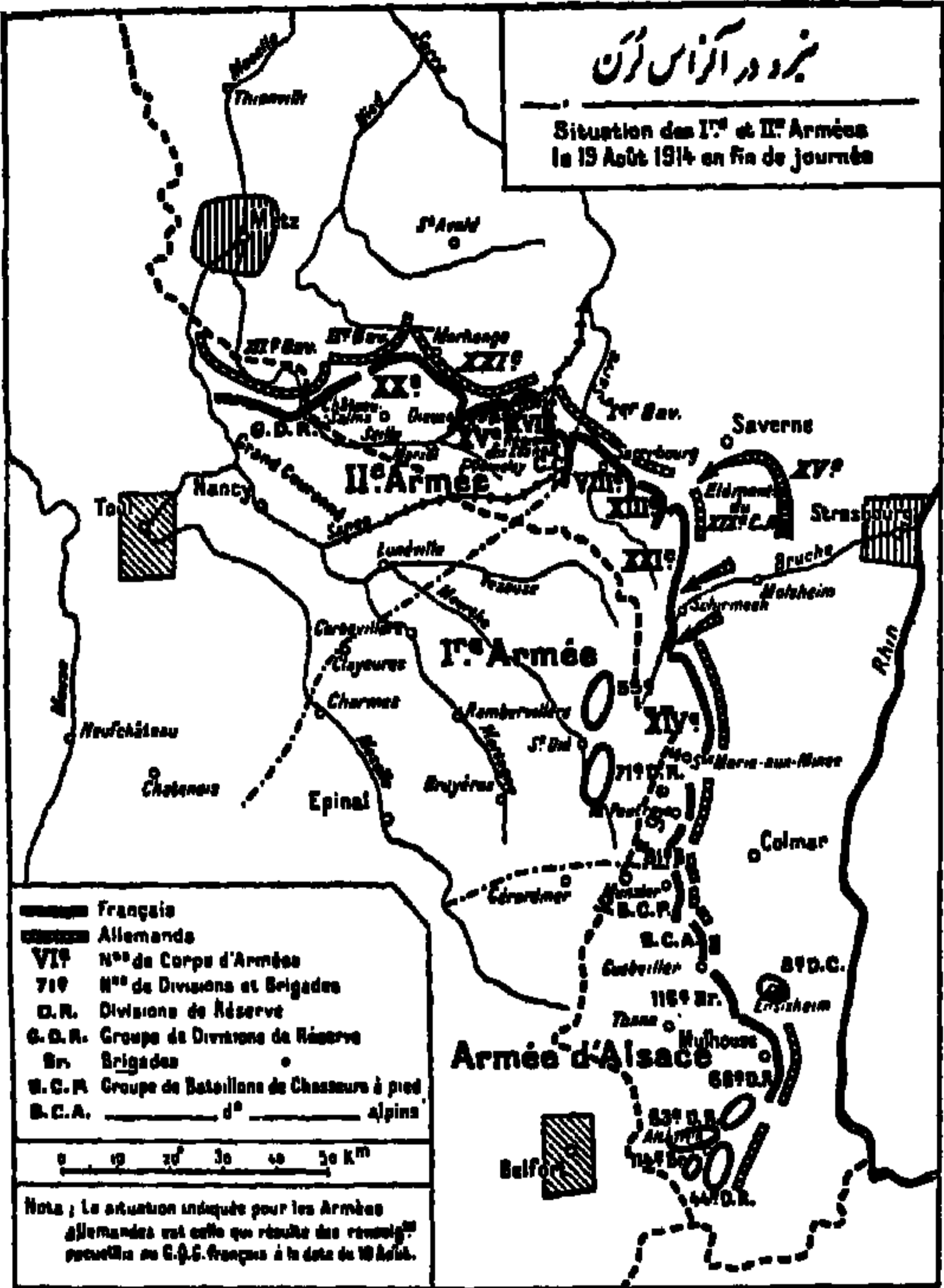
بعضی از نویسندگان نظامی معتقدند این نبرد که معروف به نبرد مبرشارم است  
( la trouée de Charmes ) یک ماوری است که آلمانها دریاخ مانورشارلروا  
که در همان تاریخ در جناح چپ فرانسویها جریان داشت قبلاً در نظر گرفته  
بودند ولی برخی دیگر اظهار میدارند که این فرض اشتباه است چه جبهه آلمان  
در لرن جبهه دفاعی بوده است ولی نمیتوان گفت که جبهه غیر عاملی بوده :  
ارتشهای ۶ و ۷ آلمان از تزلزل وارده در محاربه ساربورگ و موراثر بارتش  
یکم و دوم فرانسه استفاده نموده و بموقع اقدام بحمله متقابله کرده کوشش نمودند  
که از موفقیت خود بعد کمال استفاده برده جناح راست ارتشهای فرانسه را  
متلاشی کنند .

ولیمهد باویر که از این پیشرفت اولیه خود مغرور شده بود دچار مخاطره واقع  
گردید چه بمقاومت دشمن اهمیت نداده و سه سپاه را با آرایش مثلثی شکل مأمور  
درهم شکستن فرانسویها نمود . این مانوریکه در کمال بی احتیاطی اجرا شده بود  
منجر بشکست آلمانها گردید .

نظر بوقایعی که در جناح چپ فرانسویها جریان داشت لذا ارتشهای

# نبرد آراس لرن

Situation des I<sup>re</sup> et II<sup>es</sup> Armées  
le 19 Août 1914 en fin de journée



یکم و دوم فرانسه از فتح و موفقیت خود استفاده نکرده و در صدد استرداد اراضی از دست رفته بر نیامدند .

فرماندهی کل فرانسه که از این به بعد نسبت به جناح راست خود اطمینان حاصل کرد لذا از ارتشهای یکم و دوم مقدار قوایی که مورد احتیاج آنها نبود برداشته و برای تقویت ارتشهای ۳-۴-۹-۵-۶ خود بمنظور اجرای مانوریکه پس از شکست نوشاتو و شارلروا در نظر داشت مورد استفاده قرار داد .

### ج ) عملیات ارتشهای جناح چپ فرانسه تا ۲۱ اوت

دستور عمومی مورخه ۸ اوت فرانسه مبنی بر این فرض که دشمن از عبور رودخانه موز بین لیژ و نامور صرف نظر نموده و جناح راستش بین نامور و ژیه ( Givet ) ظاهر خواهد شد جبهه ای را که ارتش های ۳ و ۴ میبایستی در امتداد آن استقرار یابند تعیین کرده بود .

این آرایش برای فرانسویها تا تمرکز قوای اعزامی انگلیس در جناح چپ ارتش ۵ فرانسه يك موقعیت انتظاری محسوب میشد .

ولی ارتش انگلیس در این تاریخ تازه شروع به پیاده شدن در خاک فرانسه نموده بود . ارتش بلژیک بتنهائی با دشمن در تماس نزدیک بود .

سپاه سوار سورده داخل لوگزامبورگ بلژیک شده بود ، و از رودخانه لس (Lesse) عبور کرده و بسمت لیژیژش میرفت در جنوب موز با دشمن مصادف نگشت ،

عناصر مقدم دشمن از خط رودخانه اورت (Ourthe) و شهرهای باستونی مارنلاژ و آرلن ( Bastogne-Martelange-Arlon ) بسمت مغرب تجاوز نکرده بود لذا سورده برای استراحت دواب بناچاره نوشاتو رهسپار گشت .

ولی دشمن در حالیکه هنوز در قسمت مرکز با فرانسویها تماسی اتخاذ نکرده بود غفلتاً در جناح راست خود اقدام بتعرض نمود .

روز دهم سوار نظام آلمان بین لیژ و پروکسل ظاهر شد .

روز ۱۱ جلودارهای دشمن با قوای عمده ارتش بلژیک در سن ترُن ،



تیرلمن، لاندان و دیس (S - Trond, Tirlemont, Landen, Diest) درگیر شد.  
روز ۱۲ آلمانها در صد بر آمدند که در محل دینان (Dinant) از موز عبور کنند،  
روز ۱۵ موفق میشوند که چند گردان بساحل چپ آن رود خانه کسپیل دارند،  
ولی عناصر سپاه یکم فرانسه فوراً آن گردان هارا بساحل راست عقب نشانند.  
از مجموع این وقایع این طور نتیجه گرفته میشود که قوای آلمانها در آن تاریخ  
در شمال خط ایز نامور وجود داشته با آنکه تصور نمیرفت که مساعی آنها از  
ژیوه تجاوز کند اینک امکان دارد که در حدود خیلی دور از شمال این شهر توسعه یابد.  
بنا بر این آرایشی که در دستور عمومی شماره ۱ فرانسه پیش بینی شده بود  
دیگر با وضعت تطبیق نمینمود.

فرمانده کل فرانسه احساس کرد که وضعت جناح چپ نیروی فرانسه در ناحیه  
مزیر باعث تسهیل مانور احاطه ای دشمن خواهد شد لذا از روز ۱۲ اوت فرمانده  
ارتش ۵ اجازه داده شد که قوای خود را بسمت شمال منبسط کرده و سپاه جناح چپ  
خویش را (سپاه یکم) بنا حیه ژیهو انتقال دهد.

در اثر این حرکت چنانکه در فوق دیدیم آلمانها نتوانستند محری را که غفلتاً  
در دینان بدست آورده بودند حفظ نمایند.

از ۱۴ تا ۱۵ اوت اطلاعات واسله فرماندهی فرانسه حاکی بود که آلمانها  
فتار عمده خود را متوجه شمال ژیهو نموده و يك قسمت از قوا را بجهت سدان -  
مولمدی - دامویله اعزام داشته اند بدین قرار عصر ۱۴ اوت فرمانده ارتش ۵ فرانسه  
کسب اجازه نمود که بدون فوت وقت قوای عمده خود را بحدود رود سامبر  
(Sambre) حرکت دهد.

ستاد ارتش فرانسه در شب ۱۶ اوت تقسیمات نیروی جنگی آلمان را بشرح

ذیل در نظر گرفت :

در جبهه روس : ۵ سپاه و ۲ لشکر سوار :  
در جبهه فرانسه و بلژیک : ۲۰ سپاه و ۸ لشکر سوار که به ۶ ارتش ذیل تقسیم  
میگردید :

يك ارتش آلزاس : ۳ سپاه .

يك ارتش لرن : ۴ سپاه ، يك لشکر سوار .

يك ارتش در لو کزامبورگ : ۳ سپاه ، ۲ لشکر سوار .

يك ارتش در لو کزامبورگ بلژیک : ۳ سپاه ، يك لشکر سوار .

دو ارتش موز : ۷ سپاه و ۴ لشکر سوار .

در اینجا باید متذکر شد که در فهرست اطلاعات ، فقط صورت سپاه های تحت السلاح  
قید شده بود ، رکن دوم ستاد ارتش فرانسه معتقد بود که مطابق معمول خود فرانسویها  
فقط سپاه های تحت السلاح در توده های ضربت شرکت میکنند و آنها هم اقلأً  
در آغاز جنگ واحدهای احتیاط را فقط برای مأموریتهای فرعی ( از قبیل اشغال  
نواحی متصرفه ، محاصره قلاع و غیره ) بکار خواهند برد .

روز ۱۵ اوت ساعت ۲۰ فرمانده کل نیروی فرانسه اوامر ذیل را صادر نمود :

ارتش ۵ : يك سپاه و ۲ لشکر احتیاط برای محافظت رودخانه موز ازسدان تا  
ژیوه گذارده و قوای عمده خود را بناحیه فیلیپ ویل و مارینبورگ حرکت دهد  
که با ارتش انگلیس تشریک مساعی نماید .

ارتش ۴ : در کنار رودخانه موز سمت شمال شرق استقرار یابد بطریقی که بتواند  
از جبهه سدان - منمدی - ژامتس ( Sedan - Montmédy - Jametz )  
در استقامت عمومی نوشانو خارج شود .

روز ۱۶ اوت فرمانده کل در ارتش ۳ اصلاحات لازم بعمل آورد .

برای آنکه ارتش مزبور دارای آزادی مانور باشد مشارالیه با عناصر جناح  
راست آن ارتش يك قوای فرماهی ژنرال پل دوران ( Pol Durand ) تشکیل  
داده و مأمور نمود که آن ارتش را در مقابل هرگونه تهدیدی که از مس متوجه شود  
پوشاند و اقدام بمحاصره آن قلعہ نماید .

روز ۱۹ اوت این قوا ارتش لرن را تحت فرماندهی ژنرال مولووی تشکیل خواهد داد .

صدور احکام فوق مربوط باشتباهی است که فرماندهی فرانسه از میزان و تشخیص نیروی دشمن بطوریکه در فوق اشاره کردیم مرتکب شده است چه مشارالیه تصور کرده بود دشمن ( که حداکثر نیروی آن ۲۰ سپاه است ) قادر بتوسعه حرکت جناح راست خود بدون کاستن قوای مرکزی خویش نخواهد بود . چنانکه راجع بشرح این موضوع خواهیم پرداخت :

در يك دستور مخصوصی مورخه ۱۸ اوت فرمانده کل فرانسه دو فرض ذیل را در نظر گرفته بود :

۱- نیروی آلمان در اطراف تیونویل ( Thionville ) در لوکزامبورگ و بلژیک محتمل است تشکیل دو گروه بدهند

اگر گروه شمالی دشمن در حرکت خود در هر دو ساحل موز بخواهد ازین زیوه و بروکسل عبور نماید و حتی حرکت خود را بجانب شمال سریع کند ارتش ۵ فرانسه با حفظ ارتباط با ارتش بلژیک یا ارتش انگلیس مستقیماً در مقابل این حرکت مقاومت خواهد نمود .

در این موقع ارتش ۳ و ۴ تحت گروه مرکزی دشمن را مورد حمله قرار داده و آنرا مغلوب میسازد سپس قسمت عمده ارتش ۴ در جناح چپ گروه شمالی دشمن پیشروی خواهد نمود .

اگر برعکس دشمن در شمال رودخانه موز فقط قسمتی از گروه جناح راست خود را درگیر سازد ارتش ۵ محاربه با قوای آلمان را در شمال موز و سامبر بارشهای بلژیک و انگلیس واگذار نموده و خود از راه نامور و ژبوته متوجه سن هو بر (S'-Hubert) یا مارش ( Marche ) خواهد گردید .

فرا سویها راجع فرضیات فوق بطریق ذیل اظهار نظر میکنند :

۱- اگر از اطلاع ناصحیحی که راجع بمیزان قوای دشمن داده شده بود صرف نظر کنیم استدلالی که در دستور ۱۸ اوت ذکر شده بود روشن و واضح میگردد .

فرض اول یعنی در صورتیکه دشمن بخواهد جناح چپ نیروی ما را احاطه کند بدو طریق میتوان از این مانور جلو گیری نمود:

یا آرایش خود را بسط داده و بنوبه خود نیروی آلمان را احاطه نمائیم .  
ولی اجرای این مانور بدلائل ذیل غیر ممکن است زیرا :

۱ - آرایش استراتژیکی ما کامل شده بود نمیتوانستیم ارتشهای سمت چپ خود را بطور متوازی با یکدیگر در فضای پروستی داخل نمائیم .

۲ - نیروی متفقین در سمت چپ ما برای مانور مشترك آماده نبود . و وحدت فرماندهی نداشتند . خط مواضات ارتش بلژیک بسمت آنورس متوجه بود و انگلیسها هم هنوز تمرکز خود را خانه نداده بودند .

اکنون میبایستی (از ضعف مرکز دشمن که در اثر بسط جبهه او حاصل شده بود استفاده کرد ) و به مانوری مبادرت نمود که در نتیجه آن ارتشهای ۳ و ۴ خود را بآن مرکز حمله ور سازیم که آنرا شکافته و بعد بجناح راست دشمن برگردند .

این دو مانور قابل توجه است چه دیدیم که ژنرال ژوفر بعداً هنگام نبرد مارن مانور اولی را اجرا کرد و موفقیت حاصل نمود در صورتیکه ژنرال فن ملکتکه مانور ثانوی را خواست در همان موقع عملی کند ولی کامیاب نشد .

روز ۱۹ و ۲۰ اوت مانور آلمان معین و مشخص گردید .

روز ۱۹ ارتش بلژیک در آئرشو ( Aerschot ) مغلوب و بجانب آنورس عقب نشست .

روز ۲۰ ستونهای متعددی از صنوف مختلفه از خط آئرشو - لوون - ژودوان هوئی ( Aerschot-Louvain-Jodoigne-Huy ) عبور نمود . سوار نظام آلمان بیروکسل وارد شد .

بدین قرار اینطور معلوم میشود فرض اول که در دستور ۱۸ اوت در نظر گرفته شده بود صورت وقوع مییافت .

از عصر بیستم اوت فرمانده کل فرانسه اوامر مقتضی برای اجرای نقشه‌ای که در دستور مزبور درج شده بود صادر نمود: (نقشه شماره ۷)

ارتش سوم: در سمت عمومی آرلن (Arlon) حمله کرده و مأمور است هر قوای که بخواهد بجناب راست ارتش ۴ تجاوز کند عقب براند.

ارتش لرن: سمت به مس حرکت ارتش ۳ را پوشاند.

ارتش ۴: در سمت لوشانو بحمله مبادرت ورزد.

ارتش ۵: با انگاه به موز و نامور گروه شمالی دشمن را مورد هدف قرار دهد.

ارتش انگلیس: با تعرض ارتش ۵ شرکت نموده و بجانب سوانی (Soignies) حرکت خواهد کرد.

در انتهای جناح چپ يك گروه لشکر های پاسبان در ناحیه آراس (Arras) متمرکز شده و مأموریت دارد که بین این شهر و والانسین سدی ایجاد نماید.

### د) نبرد سرحدات شمال شرقی

۱ - عملیات ارتشهای ۳ و ۴ فرانسه. نبرد آردن (۱) (نقشه شماره ۷)

حرکت ارتشهای فوق روز ۲۱ اوت شروع شد. روز ۲۲ اوت از سفیده صبح ارتشهای مزبور در جبهه ای که از اودن - لورومان (Audun-le-Roman) تا پالیزول (Paliseul) که در خط ویرتن (Virton) و برتریکس (Bertrix) بطول ۹۰ کیلو متر امتداد داشت با دشمن تلافی کرد.

قوای فرانسه بحمله شدید مبادرت نمود ولی غالباً بدون نتیجه توپخانه. چون در آخر روز چندین قسمت از قوای فرانسه مخصوصاً سپاه ۴ متزلزل شده بود لذا برای اجرای عملیات ترضی روز بعد قادر بودند. ارتش ۴ از روز ۲۳ عقب نشینی يك قسمت از جبهه خود را (در جناح چپ) در نظر گرفت.

عصر ۲۴ در اثر عقب نشینی ارتش ۵ و ارتش انگلیس فرمانده کل امر داد که ارتش ۴ عقب رودخانه موز و ارتش ۳ به پشت رود آنن (Othain) در موز علیا عقب نشینی کند.

بدین ترتیب عمل تعرضی که برای ارتشهای ۳ و ۴ بمنظور عقب‌راندن مرکز نیروی آلمان در خط رودخانه موز از نامور تا لیز در نظر گرفته شده بود توفیق نیافت زیرا از طرفی قوای دشمن مافوق میزانی بود که فرماندهی عالی فرانسه حدس زده بود و از طرف دیگر فرانسویها در اجرای عملیات مرتکب خطاهائی شدند.

#### ۴- عملیات ارتش ۵ فرانسه و ارتش انگلیس

نبرد شارلروا و مونس<sup>(۱)</sup> (تخته شماره ۷)

جریان اوضاع فرماندهی فرانسه مجال نداد که ارتش ۵ و ارتش انگلیس را در شمال سامبر بوضیعی قرار دهد که راه عبور را بر جناح متحرک دشمن مسدود سازد. ارتش انگلیس که امیدواری میرفت روز ۲۱ اوت در ناحیه نیول (Nivelles) بین بروکسل و شارلروا دیده شود اکنون میتواند که روز ۲۲ اوت در ناحیه مونس سمت بشمال با آرایش انتظاری قرار گیرد.

ارتش ۵ برای حرکت خود از ناحیه مزیر بطرف سامبر به پنج منزل راه احتیاج داشت و در طول رودخانه موز از دینان در مقابل ظهور دشمن در سمت روشو (Rochefort) و مارش (Marche) احتیاج پوشش بود، ارتش مذکور نمیتوانست قبل از ۲۱ یا ۲۲ با حرکت جناح چپ خود از طریق شارلروا بوسیله تعرض در شمال سامبر ظاهر شود.

ولی در مقابل این قوای فرانسه که مصادف با وضعی بود که نه از حیث آرایش و نه از حیث وسایل با آن تناسب نداشت، جناح راست دشمن با قوایی (بر خلاف حدس سابق یعنی ۴ ارتش مرکب از ۷ سپاه) هبارت از ۳ ارتش مرکب از ۱۷ سپاه و ۲ قوای سوار موفق بیاز کردن راه بین لیز و بروکسل شده و ارتش بلژیک را مطلوب ساخته و پشت رود دمر (Demer) عقب رانده بود.

لذا این بعد وقایع باسرهت جریان یافت.

از روز ۲۰ اوت حرکت تا کمانی ارتشهای یکم و دوم آلمان شروع شد، ارتش ۲ (Billow) سمت سامبر برگشت، ارتش یکم (Klück) که ارتش

(۱) - Charleroi Mons

انتهای جناح راست بود از بروکسل بطرف مونس ووالانسین متوجه گردید .  
ارتش ه فرانسه درحینیکه بطرف سامبر نزدیک میشد روز ۲۱ اوت در دوطرف  
شارلروا با جلودار های دشمن تماس حاصل کرد . فرمانده ارتش مذاکرات  
تأخیر و رودارتنس انگلیس بجناح پیش و بواسطه شکافی که بین جناح راستش با ارتش ه  
پیدا شده بود نسبت بجناحین خویش نگرانی حاصل کرد . و از صدور امر حمله که  
با عبور از آب شروع می شد خودداری نمود . مشار الیه ترجیح داد که وضعیت را  
تغییر داده و دشمنرا در مخرجهای جنوبی جاده سامبر مورد حمله قرار دهد .  
روز ۲۲ اوت آلمانها بین نامور و شارلروا حمله نموده و سپاه ۱۰ و ۳ فرانسه را  
مغلوب ساختند .

روز ۲۳ ارتش ه فرانسه مقداری دیگر اراضی از دست داد .

روز ۲۴ ارتش مزبور بخط موبوژ - بوومن - فیلیپ ویل (Maubeuge)  
(Beaumont-Philippville) در محور ژبوه عقب نشست . ارتش انگلیس که در مونس  
(Mons) بشدت صدمه دیده بود نیز بعقب نشینی مبادرت کرد و بخط لو کاتو - لاندرسی  
(Le Cateau-Landrecies) در سمت سن کاتن عقب نشست .

### نتیجه

مرحله اول جنگ در سال ۱۹۱۴ در جبهه غرب بفتح آلمانها وشکست فرانسویها  
خاتمه یافت .

نتیجه حاصله ناشی از نقشه های طرفین و تمرکز استراتژیکی آنها و مأموریتهای  
محواله به ارتشها بود .

آلمانها دارای نقشه کاملاً معین و ثابتی بودند که بر طبق آن به ارتشهای خود  
آرایش استراتژیکی متناسبی داده و تمام قوا و وسایل خود را برای نیل بیک مقصود  
معینی بدون انحراف بسمت های مختلف متمرکز و متوجه ساختند و نیز مهارت  
تامینی در اجرای مانور و تشریک مساعی در عملیات و آمادگی کامل خود از لحاظ  
تجهیزات تاکتیکی نشان دادند .



طلة آلتاندا د حسة انكـ.



گرچه اساس نقشه فرانسویها هم پس از معلوم کردن تقسیم بندی دشمن اقدام بتعرض بود ولی نقشه اولیه آنها نقائصی داشت و بعد کافی قابل تفسیر و تبدیل نبود لذا توانست در مقابل نقض بيطرفی بلژیک در موقع مقتضی بصورت لازم درآید و در اثر کافی نبودن اطلاعات فرانسویها راجع به اهمیت و تقسیم بندی قوای دشمن تمام عملیات ایشان کورکورانه بود ، و بین قسمت ها ارتباط کامل وجود نداشت ، وجهت اجرای ضربت هم سمت معین را بطور قطع انتخاب نکرده بودند و تمایلی که بحمله در تمام نقاط داشتند در مقابل حرکت دورانی دشمن بیک تعرض مروحه شکلی منجر میگردد .

در نتیجه فرانسویها در هیچیک از نقاط دارای تفوق عددی نبودند و غالباً در حین اجرای تقسیم بندی قوای خود طرف حمله دشمن واقع میشدند و بالاخره بواسطه عدم وحدت فرماندهی در قوای متفقین و در اثر نقائص در اجرای مقصود و بواسطه اشتباهات تاکتیکی فرانسویها در تصادم با ارتش آلمان که از هر حیث آماده بود موفقیت حاصل نکردند .

در عوض میتوان گفت که این مرحله اول جنگ برای فرانسویها بمنزله پایه و اساس خوبی جهت فتح آئینه ایشان بود .

آلمانها موفقیت خود را بیش از آنچه بود تصور کرده و ارتش فرانسه را بکلی متزلزل پنداشته و فتح خود را برای آئینه سهل و تأمین شده میدانستند . فرانسویها در اثر عقب نشینی بموقع خود در تمام جبهه ها توانستند ارتش خود را حفظ کنند و اوضاع حقیقی را دریابند و مرحله زیان آور تردید فکراستراتژیکی را طی کرده و نقشه ثابتی اتخاذ نمایند که بعد ها برای اجرای آن تمام قوای خود را بکار برند .

و اینعمل فرماندهی فرانسه مربوط بمرحله دوم جنگ میشود .  
فرانسویها نتیجه عملیات فوقرا اینطور بیان میکنند :